

## اقتصاد در قرآن

مرضیه کهنوجی\*

### چکیده

خداوند با فرستادن پیامبران و کتابهای آسمانی، انگیزه‌ها و رفتارهای انسان را تصحیح نموده و به کسانی که رفتار خود را با دستورات الهی منطبق کنند، نوید پاداش داده و آنان را که سرپیچی کنند، مستحق کیفر دانسته است. قرآن، به صراحت سرنوشت افراد و جوامع بشری را در گرو اراده، تصمیم و اقدام خود آنها می‌داند. آیه ۱۱ سوره رعد مؤید این نکته می‌باشد: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که آن قوم حالشان را تغییر دهند.

از طرفی، یکی از مهمترین مسائل کشورهای جهان سوم و یا کشورهای در حال توسعه جهان، مسئله اقتصادی است و از زمانی که این کشورها خود را از قید بردگی ستمکاران استعمارگر رها ساخته‌اند، کوشیده‌اند از طریق برنامه ریزیهای اقتصادی سالم و پویا، خود را در مسیر توسعه قرار دهند و خوشبختانه شماری از آنها در این امر موفق بوده‌اند. در کشورهای اسلامی چون ایران، لازم است فرامین الهی و قوانین قرآن در تمامی زمینه‌های حیات بشری و بر حسب موضوع این مقاله، در زمینه اقتصادی پیاده شوند و مورد آگاهی و اطلاع رسانی قرار گیرند تا ضمن به کار گیری دستورات الهی، به سمت صعود به قله‌های عدم وابستگی اقتصادی گام بر داشته شود؛ چرا که در سایه کاربرد این تعالیم سعادت دنیا و



۱۸۵

صفر

اقتصاد در قرآن

\* دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

آخرت تضمین می‌گردد. میل به زندگی راحت بارزترین کمال مطلوب بشری است و آدمی برای رسیدن به این آرزو همواره تلاش می‌کند و مایل است از تلاش خود، نتیجه مطلوب به دست آورد؛ از این رو، از نخستین لحظه‌ای که انسان به دنیا می‌آید نبرد برای زیستن آغاز می‌شود و ادامه دارد تا زندگیش به پایان برسد. بنابراین نیازهای آدمی را پایانی نیست و به همین علت فعالیت‌های اقتصادی او هم روز به روز گسترش می‌یابند؛ پس به دشواری می‌توان تصور کرد که انسان به اقتصاد نیاز نداشته باشد یا تحت تاثیر آن نباشد. براین اساس این نتیجه حاصل می‌گردد که اقتصاد، علمی ریشه‌دار و بنیادی و بخشی از علم اجتماع می‌باشد که درباره روابطی ناشی از زندگی بشر در اجتماع، بحث می‌نماید. در این مقاله به بررسی مباحثی چون تعریف اقتصاد، علم اقتصاد، مبانی، اصول و اهداف اقتصادی با تاکید بر دیدگاه‌های قرآن پرداخته شده است. به طور کلی با توجه به نیاز بشر به مسائل اقتصادی و همچنین جامع و کامل بودن فرامین قرآن در این زمینه بایستی بسترهای تحقیق، تفحص، آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی فراهم گردد تا حلقه‌های زندگی امروز در سایه ولایت فقیه به حلقه حکومت حضرت مهدی (عج) پیوند بخورد.

**کلیدواژگان:** اقتصاد، قرآن، مبانی اقتصاد، اصول اقتصاد، اهداف اقتصاد.



مقدمه

۱۸۶

فیر

در جامعه‌ای که اقتصاد از اخلاق و ارزشهای معنوی جدا باشد و محرک انسان، تنها نفع شخصی و مادی او باشد چه مانعی جلودار او خواهد بود که با به دست آوردن قدرت سیاسی و اقتصادی بار خود را بر دوش دیگران نهد و آنها را ظالمانه استثمار نکند؟ در انسان اقتصادی که اعمال و رفتار ناشی از غفلت و فراموشی باشد خصایص زیر مشاهده می‌گردد: ستمگری، ناسپاسی، کفران‌کننده، سرکش، طغیانگر، تنگ‌چشمی، خساست، خود بزرگ‌بینی و... بر خلاف آن، انسان اقتصادی که اعمال و رفتار او ناشی از غفلت و فراموشی خداوند نباشد آراسته به خصایص زیر می‌باشد: با ارده، انتخابگر، دارای عقل، تصمیم‌گیریهایی عقلایی، دارای روحیه اخوت و برادری، پرکار، مسئولیت‌پذیر، کریم، با سخاوت و...

انسانها یک سری نیازها دارند (نیاز، احساس کمبودی است که به انسان دست می‌دهد) این نیازها با توجه به معیارهای مختلف تقسیم بندی می‌شوند؛ از جمله نیازهای فیزیولوژیکی، ایمنی، اجتماعی، احترام و خودشکوفایی<sup>۱</sup> معمولا نیازها و نیازمندیهای انسان متعدد و

نامحدوداند و از طرف دیگر کالاهایی که در اختیار بشر وجود دارند و می توانند در جهت بر آوردن خواسته های وی مورد استفاده قرار گیرند محدود هستند. انسان باید کالاهای کمیاب را به صورتی در ارضای نیازهای خود مورد استفاده قرار دهد که بتواند حداکثر نیازها را بر آورده نماید. برای تحقق این امر مجبور به اقتصادی کردن رفتار خواهد شد؛ از این رو رفتار اقتصادی، فعالیت برنامه ریزی شده انسان می باشد که در صدد است ارضای احتیاجات را با توجه به کمیابی کالاها بهبود بخشد.<sup>۲</sup>

افزایش جمعیت جهان و در نتیجه پدید آمدن مشکلات بسیار در راه تامین نیازهای زندگی، رفاه فردی و اجتماعی از یک سو و پیشرفت صنعت و تمدن از سوی دیگر، اقتصاد امروز و روابط آن را به شکل سرسام آوری پیچیده کرده و از انواع و اقسام حيله ها و ترفندها انباشته شده است. همچنین بریدن از معنویات و پرداختن بی وقفه به مسائل مادی، نیز به این پیچیدگی دامن زده است.<sup>۳</sup>

در سوره توبه-آیه ۳۴- خداوند فرموده است: «یا ایها الذین امنوا ان كثيرا من الاحبار والرهبان لیاکلون اموال الناس بالباطل ویصدون عن سبیل الله و الذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم»؛ ای اهل ایمان! بسیاری از علما و راهبان (یهودی و نصاری) اموال مردم را به باطل طعمه هوس خود می کنند و خلق را از راه خدا و اطاعت امر خدا منع می کنند (هم به زبان گمراه می کنند و هم به عمل دنیا طلبی خلق را از خدا طلبی دور می کنند) و کسانی که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره می کنند و در راه خدا انفاق نمی کنند آنها را (ای رسول برای این کار) به عذابی دردناک بشارت بده.

در این آیه، مهم ترین چیزی که اجتماعات بشری را بر پایدار می دارد، مسائل اقتصادی جامعه است که خداوند آن را مایه قوام اجتماع قرار داده است. چنانچه انواع گناهان و جرایم و جنایات و تعدیات و مظالم را دقیقاً آمارگیری نماییم و به جست و جوی علت آن بپردازیم، خواهیم دید علت بروز تمامی آنها دو چیز است:

۱- فقر مفرط؛ فقر، که انسان را به اختلاس اموال مردم از راه سرقت، راهزنی، آدمکشی، گرانفروشی، غصب و سایر تعدیات وادار می کند.



۲- ثروت بی حساب؛ ثروت بی حساب نیز انسان را به اسراف و ولخرجی در خوردن، نوشیدن، پوشیدن، تهیه مسکن و... می‌کشاند. تمام مفاسد از این دو ناحیه ناشی می‌شود و آثار مستقیمی در اختلال نظام بشری دارد.<sup>۴</sup>

وقتی نظام اقتصادی مختل گردد و هر کسی به خود این حق را داد که هر چه به دستش می‌رسد راتصاحب کند قهرا به فکرش می‌رسد که از هر راهی که ممکن باشد مال جمع آوری می‌نماید، چه مشروع و چه غیر مشروع.

در هیچ کدام از حالات بالا (فقر و فلاکت یا اتراف و خوشگذرانی) اقتصاد بنیان مقاومی ندارد که بتواند پایه محکمی برای مسایل زندگی باشد.

انسان فقیر و محتاج که قدرت تحرک و تلاش و غلبه بر ضعف قوای جسمانی و مشکلات زندگی مادی را ندارد، چگونه ممکن است از عهده عباداتی بر آید که هیچ یک بدون همیاری جسم و فراغ بال میسر نیست؟ نه صفای روح در نماز و نه قوت بدن در جهاد، هیچ یک با فقر شدید حاصل نمی‌شود.<sup>۵</sup>

## اقتصاد

اقتصاد ECONOMY برگرفته از کلمه یونانی OIKIA به معنای خانه و NOMOS به معنای قواعد گرفته شده است در اصل به معنای نظام یا قواعدی است که خانه یا ملک موروثی بر حسب آن قواعد اداره می‌شود.<sup>۶</sup>

اقتصاد شاخه‌ای از علوم اجتماعی با هدف مطالعه درباره تولید، توزیع و مصرف ثروت است و شامل دو بخش عمده می‌باشد:

۱- اقتصاد خرد؛ که به مطالعه درباره یکایک تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان یا بازارها می‌پردازد.

۲- اقتصاد کلان؛ که کل اقتصاد یا کل نظام اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد.<sup>۷</sup> بحث اقتصادی، بحثی قدیمی است، به قدمت زندگی بشر و فعالیت‌هایش در میدان معاش و داد و ستد؛ و نیز بحثی اجتناب‌ناپذیر است تا بقای بشر بر روی زمین ادامه داشته باشد. موضوع اقتصاد در بر گیرنده خواسته‌ها، نیازها، آمال و بلند پروازی‌های بشر است و نیز بیانگر روابط انسان و جوامع برای تامین نیازها، رفع کمبودها و گسترش داراییها است. بنابراین مسائل زیادی چون انواع معاملات، منابع، کمبودها، فراوانی، اعتبارات، تورم، تثبیت قیمت‌ها،



اشتغال، تعادل پرداختها، عرضه و تقاضا، تولید، مصرف، توزیع، واسطه‌گری، دلالتی و... در بحث اقتصاد مطرح می‌شود.<sup>۸</sup>

### چرا باید علم اقتصاد آموخت؟

علم اقتصاد در اصطلاح توده مردم، همان علم معاش است، علمی که به انسان می‌آموزد چگونه از منابع طبیعی، با کار کمتر، تولید بیشتر داشته باشد، تولیدی که نیاز بشر را در زندگی بر طرف سازد.<sup>۹</sup> علم اقتصاد با آن جنبه از رفتار ارتباط دارد که از کمیابی وسایل، دستیابی به یک هدف معین پیدا می‌شود و این به آن معنی است که دستیابی به هر هدفی، وابسته به وسایل کمیاب است، بنابراین کمیابی هسته اصلی مطالعه اقتصاددانان به شمار می‌رود.<sup>۱۰</sup> وظیفه علم اقتصاد این است که نشان دهد چگونه می‌توان کالاهایی را در جهت ارضای احتیاجات و نیازهای انسانی به بهترین وجه و با کمترین هزینه، تولید نمود. به‌علاوه چگونگی توزیع و مصرف این کالاها را مشخص می‌کند<sup>۱۱</sup> همچنین، علم اقتصاد بخشی از علم اجتماع است و درباره روابطی که از زندگی بشر در اجتماع نتیجه می‌شود بحث می‌کند.<sup>۱۲</sup> نیاز به آموزش علم اقتصاد روشن است زیرا انسان تاروژی که زندگی ساده داشت، نیاز هایش اندک بود و فرآورده‌های جنگلی به آسانی نیازهای او را برطرف می‌ساخت، نیازی به چنین آموزشی نداشت ولی از روزی که اجتماعی گشت و شهر نشینی را برگزید، نیازهای او فزونی یافت و در چنین شرایطی علم اقتصاد برای او به صورت یک امر ضروری و حتمی درآمد تا با کار کمتر، قدرت تولید بیشتری را پیدا نماید.<sup>۱۳</sup>

### مبانی نظام اقتصادی اسلام در قرآن

مبانی، جمع مبنی به معنای جای است و منظور از آن اساس و شالوده می‌باشد.<sup>۱۴</sup> همچنین، به مفهوم زیر بنا، ساخت و پایه‌ای هستند که روپناها بر آنها استوار هستند.<sup>۱۵</sup>

مبنای اول: مالکیت؛

مبنای دوم: مباحات عامه؛

مبنای سوم: آزادی اقتصادی؛

مبنای چهارم: کفالت همگانی یا مسئولیت مشترک؛

مبنای پنجم: ارزش کار، سرمایه و حق.<sup>۱۶</sup>



## مبنای اول: مالکیت

مالکیت یا ملکیت در لغت، به معنای تسلط بر چیزی و زمامداری و اختیارداری نسبت به آن چیز است.<sup>۱۷</sup>

از آنجا که متعلق اقتصاد و مسائل اقتصادی، مال می‌باشد و بحث در مالکیت، کیفیت آن و شیوه‌های ایجاد و احراز آن از مباحث عمده اقتصاد است، تعریف مختصری از «مال» و اشاره‌ای به مالکیت و اقسام آن ضروری است.

در آیه ۱۸۸ سوره بقره «ولا تاكولوا اموالكم بینكم بالباطل»؛ مال یکدیگر را به ناحق نخورید. اشاره به ذکر کلمه مال شده است، مال عبارت از ملک است که طبعاً مورد میل و رغبت باشد و گویا اصلاً از میل گرفته شده است، به مناسبت اینکه دلها به آن مایل است.<sup>۱۸</sup>

در مورد مالکیت ممکن است اتفاق نظر نباشد؛ مثلاً جامعه‌ای، وراثت را سبب مالکیت نداند و دیگری بداند یا دیگری خرید و فروش را سبب بداند ولی غضب را نداند یا بعضی انسان عاقل و بالغ را مالک بداند و بعضی صغیر و سفیه را. به هر حال مالکیت فردی، امری فطری است، مگر اینکه حکم فطرت را باطل کنند و بطلان آن مستلزم فنای انسان است.<sup>۱۹</sup>

به طور کلی، دو نوع مالکیت داریم:

۱- مالکیت خدا؛ ۲- مالکیت بشر.

۱- مالکیت خدا؛ فطرت انسان حکم می‌کند که آفریننده چیزی را مالک آن بداند؛ از این رو خداوند، مالک جهان است و اختیار هر نوع تصرفی را در ملک خویش دارد و مالکیتش نسبت به همه -موجودات که ملک او هستند- مطلق، بی‌چون و چرا و بی‌حد و مرز است.

۲- مالکیت بشر؛ مالکیت بشر محدود، ناقص، مشروط و اعتباری است و در واقع، جواز تصرف به نحو مشروع و معروف است نه به صورت مالکیت علی‌الاطلاق.<sup>۲۰</sup>

## مبنای دوم: مباحات عامه

آنچه که برای همه استفاده از آن روا است؛ مانند: آبهای رودها، اراضی جنگلها، پرندگان و...<sup>۲۱</sup> باید توجه داشت که تملک مباحات عامه باید توسط یکی از اسباب قانونی و شرعی- مثل حیازت- انجام شود. فرق مباحات عامه با اموال دولتی یا اموال عمومی مسلمانان در این است که مباحات عامه، همانند اموال دولتی و عمومی تحت نظارت دولت و حکومت اسلامی هستند با این تفاوت که تصرف و بهره برداری از مباحات عامه برای همگان (بدون پرداخت



مالیات خاصی به دولت) مجاز است؛ اما در اموال دولتی تصرف منوط به پرداخت مالیاتی خاص به صلاحدید دولت اسلامی است، مگر اینکه حکومت اسلامی از حق خود چشم پوشی کند.<sup>۲۲</sup>

### مبنای سوم: آزادی اقتصادی

آزادی اقتصادی، بخشی از آزادی حقوقی است که فقط فعالیتهای اقتصادی را شامل می شود و معنای آن، آزاد بودن افراد در برابر دولت است. بر این اساس افراد حق انتخاب شغل، محل و مدت اشتغال، حق مالکیت خصوصی درآمد و دارایی، حق افزودن بر دارایی از راه سرمایه گذاری، حق مبادله اموال با دیگران، حق مصرف در آمد و... مطابق اراده خود را دارد.<sup>۲۳</sup>

هرگونه فعالیت اقتصادی -چه در زمینه تولید و کار و چه در زمینه مصرف و توزیع- به شرط رعایت حدود الهی آزاد است؛ به عبارت دیگر انسان در طبیعت و فطرتش آزاد آفریده شده است؛ اما این آزادی باید برای قرار گرفتن انسان در مسیر کمال محدود شود.<sup>۲۴</sup>

آزادی اقتصادی، پیش برنده رشد اقتصاد است، زیرا از فقر می کاهد، فرصتهای تازه پدید می آورد و سایر آزادیهای مدنی و سیاسی را ترویج می کند.<sup>۲۵</sup> آزادیهای فردی در قلمرو مسایل اقتصادی، سیاسی و مانند آن، در اسلام مشروط به این است که با تعالی معنوی او منافات نداشته باشد و مصالح عمومی را خدشه دار نسازد.<sup>۲۶</sup> بنابراین آزادی اقتصادی نباید در حدی باشد که منجر به اسراف گردد.

آیه ۱۲ سوره اسراء «وجعلنا آیه النهار مبصره لتبتغوا فضلا من ربکم»؛ و نشانه روز را روشنی بخشی گردانیدیم تا در آن فضلی از پروردگارتان بجویید.

در آیه فوق دلیل آفرینش روز، تلاش انسان برای بهره وری از فضل الهی قلمداد شده و به هیچ محدودیتی در این زمینه اشاره نشده است. آیات (۱۰ سوره جمعه، ۱۱۴ سوره نحل و ۳۷ سوره نور) به این موضوع اشاره دارند.

### مبنای چهارم: کفالت همگانی یا مسئولیت مشترک

منظور از کفالت همگانی، تکلیف و وظیفه عمومی است که بر دوش همه افراد جامعه اسلامی نهاده شده است و باید همگان برای پیشبرد و زمینه سازی تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام تلاش نمایند. بدین جهت، دست یافتن به اهداف نظام اقتصادی اسلام، تنها



وظیفه حکومت اسلامی نیست، بلکه همگان در این امر مسئولیت مشترک دارند<sup>۲۷</sup> آیه ۲ سوره مائده «و تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان»؛ در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید.

آیات (۲۰۰ سوره آل عمران، ۲۵ سوره صافات، ۱۳ سوره شوری) به این موضوع اشاره دارند.

### مبنای پنجم: ارزش کار، سرمایه و حق

در دیدگاه اسلامی سرمایه - اعم از مواد اولیه، ابزار، تولید و... و کار دارای ارزش بوده و سوددهی آنها مورد پذیرش قرار گرفته است.<sup>۲۸</sup>

آیه ۲۵ سوره قصص «قالت ان ابی یدعوك لیجزيك اجر ماسقیت لنا» گفت، پدرم تورا می‌طلبد تا به پاداش آب دادن گوسفندان ما، به تو مزد دهد.

آیه فوق نشان دهنده این مهم است که در مقابل عمل آب کشیدن از چاه اجرت قرار گرفته است؛ بدین جهت کار از دیدگاه قرآن ارزش دارد و در مقابل آن اجرت دریافت می‌گردد. آیات (۲۶ و ۲۷ سوره قصص، ۷۷ سوره کهف و ۶ طلاق) به این موضوع اشاره دارند.

### اقتصاد، اصل است نه زیر بنا

اصل، به معنای ریشه و اعتبار است که خاستگاه و سرچشمه رفتار یا فعالیت را نشان می‌دهد بنابراین، اصول؛ تکیه‌گاه‌های نظری یا مجموعه قضایا و قضاوت‌های روشن و قطعی در هر علم می‌باشند که تمام فعالیت‌های آن علم بر آن مبتنی هستند.<sup>۲۹</sup> اصول، آن چیزی است که از طریق تکرار و پذیرش جامعه به صورت سنت یا رسم و قاعده، بیان می‌گردد.<sup>۳۰</sup> اقتصاد نیز به صورت یک اصل شاخص که در جهات مادی و معنوی انسان مؤثر است بیان شده است.<sup>۳۱</sup>

### اصول نظام اقتصادی اسلام در قرآن

الف- اصول مثبت: اصولی که طریق وصول و دستیابی به اهداف نظام اقتصادی را ترسیم می‌کند؛ یعنی با به کارگیری این گونه امور به اهداف مورد نظر می‌توان رسید. اصول منفی: اموری که مانع رسیدن به اهداف است؛ به این معنی که حرکت در چنین مسیری از دستیابی به اهداف جلوگیری می‌نماید.<sup>۳۲</sup>

- اصول مثبت شامل موارد زیر می‌باشد:





- الف- فعالیت اقتصادی؛
- ب- توزیع مجدد ثروت؛
- ج- قرض الحسنه؛
- د- مدیریت لایق اقتصادی.<sup>۳۳</sup>

### ۱- فعالیت اقتصادی

یکی از طرق وصول به اهداف نظام اقتصادی، هرگونه تلاش و فعالیتی است که به نحوی مولد ثروت است، چه این تلاش در بخش کشاورزی باشد، چه صنعت یا بازرگانی.<sup>۳۴</sup> قرآن کریم، به تعبیر گوناگون مومنان را تشویق به کار و فعالیت اقتصادی نموده است. آیه ۱۰ سوره جمعه «فاذا قضیت الصلوه فانتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل الله»؛ (چون نماز به انجام رسید، در روی زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جویا شوید) بیانگر این امر است. در آیه فوق، منظور از «پراکنده شدن» بازگشت همه به کار و زندگی و ادامه دادن به تلاش و فعالیت برای به دست آوردن رزق و روزی است، چه این فعالیت تجارت و صنعت باشد و چه کشاورزی و دامپروری.<sup>۳۵</sup> علاوه بر این آیات (۱۲ و ۶۶ سوره اسراء، ۱۲ سوره فاطر، ۶۱ سوره هود، ۸۰ سوره انبیاء) نیز به این موضوع اشاره دارند.

### ۲- توزیع مجدد ثروت

اسلام، شیوه‌های متعددی از قبیل: قرض، انفاق، خمس، زکات و... را برای رسیدن به اهداف اقتصادی خود بیان نموده است که می‌توان این مجموعه از اصول را تحت عنوان کلی (توزیع مجدد ثروت) قرار داد چرا که در تمام این طرق؛ ثروت به دست آمده از راه فعالیت اقتصادی، به گونه‌ای در بین افراد جامعه توزیع می‌شود. این توزیع از یک سو موجب به کفاف رسیدن افراد جامعه و از سوی دیگر باعث کاهش فاصله فقیر و غنی می‌گردد و همچنین در بعضی حالات، قدرت اقتصادی حکومت اسلامی را تقویت می‌کند.<sup>۳۶</sup> شیوه‌هایی که می‌توان ذیل عنوان «توزیع مجدد ثروت» مطرح نمود عبارتند از: خمس، زکات، انفاق، جزیه، کفاره، فدیة و هدی.

### \* خمس

آیه ۴۱ سوره انفال به تبیین خمس و موارد مصرف آن پرداخته، می‌فرماید: «واعلموا انما غنمتم من شی فان لله خمسہ و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل» (و



ای مومنان بدانید که هر چه به شما غنیمت و فایده رسد - زیاد و یا کم - خمس آن خاص خدا، رسول، خویشاوندان او، یتیمان، فقیران و در راه ماندگان است.

خمس، یکی از مالیاتهای اسلامی است که در تعدیل نظام اقتصادی جامعه و رفع فواصل عمیق بین زندگی افراد و طبقات مختلف، نقش زیادی دارد و علاوه بر آن، ممکن است هزینه بخشی از خدمات فرهنگی و عمرانی جامعه از طریق آن تامین شود.<sup>۳۷</sup> مصارف خمس امامان اهل بیت هستند که مقام رهبری دارند و خمس متعلق به رهبر و حکومت اسلامی است، دیگر موارد مصرف خمس مستمندان و در راه ماندگان از سادات بنی هاشم هستند، چون زکات بر فقرا سادات حرام است، باید از طریق خمس نیازهای آنها تامین گردد. نکته مهمی که می‌توان از بحث خمس استنباط کرد، این است که خمس از واجبات است، هر چند درآمد و غنایم کم باشند.<sup>۳۸</sup>

### \*زکات

زکات، به معنای پاک شدن و یا نمو و زیادت است و در اصطلاح شرع صدقه دادن مقداری از اموال یا اجناس مخصوص در راه خدا است. صدقات مزبور را از آن جهت زکات گفته‌اند موجب ازدیاد مال است به خاطر برکتی که خدا می‌دهد یا به آن علت که موجب پاک شدن مال یا پاکی نفس زکات دهنده می‌شود.<sup>۳۹</sup>

زکات در اصطلاح، انفاق واجبی است که هر مسلمان هنگامی که مالش به نصاب معین برسد باید در مصارفی که شارع مشخص کرده است، بپردازد؛ به مقدار معلوم از مالی که بدین منظور پرداخت می‌شود «زکات» می‌گویند.<sup>۴۰</sup> در واقع، زکات، مالیاتی است که مسلمانان به صورت صدقه مکلف به پرداخت آن هستند و به طوری که مرسوم است شامل پنج و دو دهم درصد، وصول سالیانه از درآمد و سرمایه می‌باشد.<sup>۴۱</sup>

آیه ۱۰۳ سوره توبه «خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم بها» (ای رسول! از مؤمنان صدقات را دریافت دار تا بدان صدقات نفوس آنها را از پلیدی و حب دنیا پاک و پاکیزه سازی.) بیانگر وجوب زکات و فلسفه آن است.

### انفاق

انفاق، عبارت از بخشش و بذل مال در راه خدا به فقرا و مستحقان است و این امر در نزد عرفا، کمال بذل است. بذل مال، جان و جسم در راه معبود و محبوب حقیقی.<sup>۴۲</sup> انفاق در



مصادر اسلامی با عناوین مختلفی از قبیل: «انفاق فی سبیل الله»، «جهاد با مال»، «اطعام ایتام و مساکین»، «صدقه- صدقه مستحبی» و «قرض دادن به خداوند» تعبیر شده است.<sup>۴۳</sup>

قرآن در آیه ۱۰ سوره منافقون می‌فرماید: «و انفقوا مما رزقناکم من قبل ان یاتی احدکم الموت» و از آنچه روزی شما گردانیده‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه یکی از شما را مرگ فرارسد.

آیات ۲۶۷ و ۲۷۱ سوره بقره، ۱۶-۱۱ سوره بلد و ۲۰ سوره مزمل، به این موضوع پرداخته‌اند.

#### \* جزیه

مقدار مالی است که امام مسلمانان از سرانه کفار دریافت می‌دارد.<sup>۴۴</sup> این مالیات توسط «اهل ذمه»؛ یعنی پیروان سایر ادیان الهی که تحت قیمومیت حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، به جای پرداخت خمس و زکات به دولت اسلامی پرداخته می‌گردد.

جزیه از یک سو قدرت اقتصادی حکومت اسلامی را زیاد کرده و از سوی دیگر قدرت اقتصادی کفار را می‌کاهد و دولت با در اختیار داشتن این ثروت می‌تواند مستمندان و فقیران را یاری کند تا به حد کفاف برسند.<sup>۴۵</sup> آیه ۲۹ سوره توبه به صراحت وجوب جزیه را بیان می‌کند «قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الاخر و لا یحرمون ما حرم الله و رسوله و لا یدینون دین الحق من الذین اوتوا الكتاب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صاغرون» با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز باز پسین ایمان نمی‌آورند و آنچه را خدا و فرستاده اش حرام گردانیده‌اند، حرام نمی‌دارند و به دین حق (و آئین اسلام) نمی‌گروند کارزار کنید تا آنگاه که با ذلت و تواضع به اسلام جزیه دهند.

#### \* کفاره

کفاره، از ماده کفر است و آن، پوششی است که گناه امری را با آن بپوشند و صدقه خاصی باشد که در موارد مختلف باید پرداخت کرد.<sup>۴۶</sup>

اسلام برای مجازات مرتکبان به بعضی از محرمات، کفاره‌های مالی مشخصی قرار داده است که مورد مصرف این کفاره‌ها معمولاً فقرا و ضعفا هستند.

آیه ۸۹ سوره مائده، بیانگر این نهاد است؛ «لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم و لکن یؤاخذکم بما عقدتم الایمان فکفارتها اطعام عشره مساکین» خداوند شما را به سوگندهای



بیهوده اتان مواخذہ نمی‌کند، ولی به سوگندهایی که از روی اراده منعقد می‌کنید و می‌شکنید شما را مواخذہ می‌کند و کفاره اش خوراک دادن به ده بینوا است.

#### \* فدیہ

فدیہ، از ریشہ فدا به معنای بدل است که به واسطه آن، انسان از امری مکروه رهایی یابد.<sup>۴۷</sup> در کل، فدیہ عملی است که در صورت ناتوانی شخص از انجام یک تکلیف واجب، بایستی انجام شود. در بعضی موارد، فدیہ امری مالی است که زمینه مصرف آن فقرا و مستمندان جامعه هستند.<sup>۴۸</sup> فدیہ در آیه ۱۸۴ سوره بقرہ «وعلى الذين يطيقونه فدية طعام مسكين»؛ (و بر کسانی که روزه طاقت فرسا است، کفاره خوراک دادن به بینوایی است). آیه ۱۹۶ سوره بقرہ نیز به این موضوع اشاره دارد.

#### \* ہدی

ہدی، قربانی حج و زیارت بیت الله و یکی از مناسک است.<sup>۴۹</sup> و عبارت از گوسفند یا شتری است که در هنگام اعمال حج ذبح می‌شود و مورد مصرف آن فقرا و ضعفا جامعہ می‌باشند.<sup>۵۰</sup>

آیه ۲۸ سوره حج «فکلوا منها و اطعموا البائس الفقیر»؛ (پس از آنها بخورید و به درماندہ مستمند بخورانید). و آیه ۳۶ سوره حج نیز به این موضوع اشاره دارد.

#### \* قرض الحسنہ

قرض تملک به ضمان است. یعنی شخصی که مال خودش را به دیگری قرض می‌دهد با قرض دادن آن را از ملک خودش خارج کرده است و دیگری را مالک آن نموده است.<sup>۵۱</sup> بنابراین، شخص مال و متاعی را با قیمتی از باب تفضل به دیگری می‌دهد که در ذمہ او باشد و در مدت معینی برگردانده شود. از نوع قرض الحسنہ قرض، در شریعت مدح و ستایش بسیار شده است.<sup>۵۲</sup>

آیه ۲۴۵ سوره بقرہ «من ذا الذی یقرض الله قرضا حسنا فیضاعفه له اضعافا کثیرہ» کیست که خدا را قرض الحسنہ دهد تا خدا بر او به چندین برابر بیفزاید؟  
در آیه ۱۸ سوره حدید درباره اجر و پاداش قرض چنین می‌فرماید: «ان المصدقین و المصدقات و اقترضوا الله قرضا حسنا یضاعف لهم و لهم اجر کریم»؛ همانا مردان و زنانی که در



راه خدا به فقیران صدقه دهند و احسان کنند و به خدا قرض نیکو دهند خدا احسان آنها را چندین برابر سازد و و پاداش با لطف و کرامت نیز عطا کند. این آیه شریفه داستان اجر کریم و مضاعف را خاطر نشان می نماید تا بدین وسیله ترغیب در انفاق در راه خدا کرده باشد. این آیه صدقه دهندگان را قرض دهندگان به خدا می خواند.<sup>۵۳</sup>

اسلام، پیرامون قرض قوانینی را بیان نموده است که مهمترین آنها مسئله ممنوعیت ربا و بهره در قرض است، قرض دادن در اسلام مورد تاکید قرار گرفته و -حتی- برتر از انفاق شمرده شده است و این شاید به جهت مخالفت اسلام با «گداپروزی» باشد؛ چرا که انفاق (عطای بدون عوض به فقرا و مستمندان) باعث می شود شخص به تلاش و کار برای به دست آوردن درآمد اقدام نکند و به درخواست و گدایی از مردم رو آورد، اما قرض دادن باعث تشویق شخص به تلاش اقتصادی برای باز پرداخت بدهی خود می شود.<sup>۵۴</sup>

قرض شرایطی دارد که -از باب نمونه- به یک مورد آن اشاره می گردد؛ آیه ۲۸۲ سوره بقره می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتوبه» ای کسانی که ایمان آورده اید ، هر گاه به وامی تا سر رسیدی معین با همدیگر معامله کردید آن را بنویسید. آیه فوق، به لزوم ثبت دین اشاره نموده است.

#### مدیریت لایق اقتصادی

مدیریت در مفهوم کلی و عام خود به شکلها و با دیدگاه های متفاوت تعریف شده است، می توان مدیریت را با توجه به هدف الهی آن چنین تعریف نمود: «مدیریت؛ یعنی کارکردن با مردم، میان مردم، برای مردم و به خاطر خدا.» در واقع این تعریف اشاره دارد به اینکه همه کارهای مدیر برای رضایت خداوند متعال انجام می گیرد و مشروعیت همه راهها، روشها و مسائل و هدفها منوط به الهی بودن آنها است.<sup>۵۵</sup>

یکی از ابزارهای مهم برای پیاده کردن اهداف در هر نظام اقتصادی وجود مدیران لایق و کارآزموده ای است که بتوانند ثروت و اقتصاد را در جهت مطلوب سوق دهند.<sup>۵۶</sup> آیه ۵ سوره نساء از اهمیت مدیر حکایت دارد «ولا توتوا السفهاء اموالکم الی جعل الله لکم قیاما»؛ اموال خود را که خداوند آن را وسیله تداوم زندگی شما قرار داده ، به سفیهان ندهید. آیه فوق اشاره به این امر دارد که شخص بی خرد نمی تواند در امور مالی متصدی شود. آیات (۵۵ سوره یوسف و ۲۶ سوره قصص) به این موضوع اشاره دارند.



## اصول منفی

عناوین اصول منفی، عبارتند از:

- ربا؛
- بیماریهای اقتصادی؛
- اکل مال به باطل؛
- افراط و تفریط.

### \*ربا

اکثر کتابهای لغت، ربا را «افزودنی» تعریف کرده‌اند و در برخی آیات، صرفاً این معنای لغوی اراده شده که؛ آیه ۳۹ سوره روم، از آن جمله است؛ «و ما اتیتم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عندالله» سودی که شما به رسم ربا یا هدیه دادید که بر اموال مردم رباخوار بیفزایید نزد خدا هرگز نیفزاید (بلکه محو و نابود شود).

ربا در اصطلاح فقها گرفتن زیادی در معامله اشیای ربوی و یا در قرض می باشد و گاهی نیز به خود معامله‌ای که مشتمل بر زیادی باشد نیز «ربا» گفته می‌شود.<sup>۵۷</sup>

واژه «ربا» در آیه فوق به معنای نمو مال و زیاد شدن آن است و آیه ((لیربوا)) تا آخر اشاره به علت این نامگذاری می‌کند که چرا، ربا را «ربا» خوانده‌اند. بنابراین مالی که انسانها به مردم داده‌اند تا اموالشان زیاد شود، نه برای اینکه خدا راضی شود، آن مال نزد خدا زیاد نمی‌شود، رشد نمی‌کند و ثوابی از آن عاید آنها نمی‌گردد، برای اینکه قصد قربت نداشته‌اند.<sup>۵۸</sup>

### فلسفه تحریم ربا

خداوند متعال در آیات ۲۸۱-۲۷۵ سوره بقره در امر ربا خواری، تشدید نمود که درباره هیچ یک از فروع دین نکرده است، مگر یک مطلب که تشدید در آن همانند تشدید در امر ربا است و آن، این است که مسلمانان، دشمنان دین را بر خود حاکم سازند؛ اما بقیه گناهان کبیره، حتی زنا، شرب خمر و ظلم و گناهی بزرگتر از اینها مثل کشتن افراد بی گناه، ملایم تر از تشدید در آن دو گناه (ربا و حاکم ساختن دشمنان بر خود) است.<sup>۵۹</sup>

### بیماریهای اقتصادی

منظور از بیماریهای اقتصادی اعمالی است که نظام حاکم بر روابط اقتصادی را مختل می‌نماید و فعالیتهای اقتصادی را از روند صحیح و طبیعی خود خارج می‌سازد از جمله:



-سرقه؛

-كم فروشى؛

-خيانته؛

-اھتكار.<sup>۶۰</sup>

### \*سرقه

سرقه، يك واژه عربى است و معادل فارسى آن، دزديدن و ربودن مى باشد و موضوع آن ممكن است مال يا انسان باشد.<sup>۶۱</sup> سرقه در شرع حد دارد و بر دو قسم است، يکى آنکه زيانش به صاحب مال عايد شود و ديگر آنکه علاوه بر صاحب مال، براى عامه مسلمانان هم زيان آورياشد که اولى را «سرقه صغرى» و دومى را «سرقه کبرى» مى نامند.<sup>۶۲</sup>

آيه ۳۸ سوره مائده - که مى فرمايد: «والسارق والسارقه فاقطعوا ايديهما جزاء بما كسبا نكالا من الله والله عزيز حكيم»؛ دست زن و مرد دزد را به كيفر اعمالشان ببريد اين عقوبتى است که خدا مقرر کرده که خدا مقتدر و به مصالح خلق دانا است- به اين پديده شوم پرداخته است.

### \*كم فروشى (تعطيف)

آيه ۳۵ سوره اسراء، مى فرمايد: «واوفوا الكيل اذا كلتم وزنوا بالقسطاس المستقيم ذلک خير و احسن تاويلا»؛ و هرچه را به كيل يا وزن مى سنجيد تمام بييمائيد (كم و گران نفروشيد) و همه چيز را با ترازوى عدالت بسنجيد که اين کارى بهتر و عاقبتش نيکوتر است .

قسطاس، از دو کلمه قسط به معنای «عدل» و «طاس» به معنای «کفه ترازو» است. مسائل داد و ستد و رعايت حقوق مردم در معاملات چنان مهم است که قرآن بارها روى آن تاکيد نموده و بزرگترين آيه قرآن (۲۸۲ سوره بقره) و سوره اى به نام «مطففين» مربوط به آن است. از پيامهاى که مى توان از اين آيه گرفت اين است که بازار مسلمانان، بايد از تقلب و کم فروشى دور باشد و فروشندگان بايد امين، درستکار، دقيق و با حساب و کتاب باشند و توجه به اين نکته داشته باشند که کسب صحيح، موجب خوش عاقبتى مى گردد.<sup>۶۳</sup>



اگر در معامله‌ای از راه نقص مکیال و میزان به انسان خیانتی شود که خودش متوجه نگردد تدبیر او در زندگیش تباہ و تقدیر و حسابگری او باطل و با این خیانت نظام معیشت او مختل می‌گردد.<sup>۶۴</sup>

### \* خیانت

خیانت، نقض وفاداری به یک آرمان مشترک، رشته‌های همبستگی و رفاقت تعریف شده است.<sup>۶۵</sup> و در اصطلاح عرفا عبارت از خروج از امورات، ارتکاب منهیات حق و ورود در خطوط نفسانی است.<sup>۶۶</sup>

قرآن در آیه ۲۷ سوره انفال، در نهی از خیانت می‌فرماید: «یا ایها الذین امنوا لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم و انتم تعلمون»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، در کار دین با خدا و رسول و در امانتهای خود با یکدیگر خیانت نکنید در صورتی که می‌دانید.

### \* احتکار

در احتکار، جمع کردن مال حتمی است و مخفی کردن نیز از ویژگیهای بارز آن است. به ندرت ممکن است احتکاری واقع شود و به نوعی تیشه به ریشه نظام حکومتی نزند، به خصوص آنکه دشمنان اسلام، غالباً قدرتهای پولی و سردمداران محترکان بزرگ کالاها در جهان هستند.<sup>۶۷</sup> در آیه ۸۸ سوره یوسف چنین آمده است: «یا ایها العزیز مسنا و اهلنا الضر و جئنا ببضاعة مزجاة»؛ ای عزیز مصر ما با همه اهل بیت خود به فقر، قحطی و بیچارگی دچار شده ایم، اموال اندکی به ما عنایت کن. این آیه بر نهی احتکار دلالت دارد.

### \* اکل مال به باطل

این عنوانی است که در هر جا «ثروت» و «مال» در مقابل «باطل»-آنچه مال و ثروت نیست- باشد، صدق می‌کند؛ به طور مثال، اگر فروشنده‌ای تخم مرغ فاسدی را در ازای پول بفروشد این کار وی «اکل مال به باطل» خواهد بود.<sup>۶۸</sup>

خداوند در سوره نساء آیه ۲۹ می‌فرماید: «لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض منکم»؛ اموال همدیگر را به ناروا مخورید، مگر آنکه داد و ستدی با رضایت یکدیگر، از شما (انجام گرفته) باشد.





### \*افراط و تفریط

خداوند متعال مسلمانان را از افراط و تفریط در مصرف و هزینه‌ها بر حذر داشته است. آیه ۲۹ سوره اسراء خطاب به پیامبر گرامی اسلام <sup>۹</sup> می‌فرماید: «و لا تجعل یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کل البسط فتقعد ملوما مسحورا»؛ و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار هم گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای بمانی. این آیه، اشاره می‌دارد که نه تفریط و کوتاهی در مصرف و نه افراط و زیاده روی در آن، هیچ یک، شایسته نیستند. آیات ۶۷ سوره فرقان، ۳۱ سوره اعراف و ۲۷ سوره اسراء نیز به این موضوع اشاره دارند.

امام صادق <sup>7</sup> فرمودند: «دعای چهار گروه مستجاب نمی‌شود؛ یکی از آنها کسی است که مالی داشته باشد و آن را ضایع نماید و سپس از خداوند درخواست کند که به او روزی عنایت کند، خداوند نیز در جواب می‌فرماید: آیا به تو دستور میانه روی و اعتدال در مصرف نداده بودم.»<sup>۶۹</sup>

اسراف، پدیده‌ای است که در دو شکل می‌تواند جامعه را به تباهی بکشاند. یکی از این دو شکل عبارت است از: «بَطْر» یعنی سرمستی و طغیانگری به وسیله ثروت و شکل دوم عبارت است از: «تَرَف» یعنی خود کامگی در مستهلک ساختن مال. منشاء طغیان به وسیله ثروت، آن است که ثروتمند نمی‌داند که رکن حیات مادی انسانها کار و کالایی است که به وجود می‌آورند تا به وسیله آنها زندگی خود را تامین نمایند یا می‌داند؛ ولی قدرت طلبی او نمی‌گذارد تا مصالح دیگران را نیز منظور نماید. در نتیجه مال و ثروت را در مسیری به کار می‌بندد که جز اخلال به عدالت اجتماعی ثمره ای نخواهد داشت.<sup>۷۰</sup> صرفه جویی، پس انداز، دقت و مراقبت در مصرف چیزی برای جلوگیری از تلف شدن آن و بهره گیری بیشتر و بهتر از آن است. در واقع، صرفه جویی حد وسط اسراف و اقتار به معنای «بخل ورزیدگی و تنگی دادن در خرج» است.<sup>۷۱</sup>

اعتقاد به مذهب، مرز تفاوت انسان و حیوان بوده و در زندگی انسانها، موج آفرین بوده و به تلاش و فعالیت جهت می‌دهد. عاملی برای خیر آفرینی و خدمت رسانی و سدی است برای بسیاری از مصائب و انحرافات که عدم حضور آن، در حقیقت مصیبت آفرین است. در ضمن همه مذاهب دعوت کننده افراد به اعتدال در مصرفند و از پیروان خود می‌خواهند که



۲۰۱

صفر

اقتصاد در قرآن

در مصرف، هم به عنوان وظیفه شرعی و هم به خاطر تامین منافع مستمندان، صرفه جویی داشته باشند. اعمال اقتصادی در قالب مذهب، صورت تبرک به خود می‌گیرد و زمینه ساز رشد و اعتلای فکری است.<sup>۷۲</sup>

## اهداف نظام اقتصادی اسلام در قرآن

-عدالت اجتماعی نسبت به درون جامعه اسلامی.

-قدرت اقتصادی حکومت اسلامی نسبت به بیرون جامعه.

### ۱-عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی، عبارت است از برابری طبقاتی در مقابل قانون و اجرای آن. یعنی تمام افراد بشر در مقابل قانون و اجرای آن برابرند و از لحاظ حقوق انسانی، نژادی، اجتماعی و قانونی هیچ کس بر دیگری امتیازی ندارد.<sup>۷۳</sup>

جامعه‌ای اسلامی است که در آن نظام عدل الهی حاکم باشد. در این جامعه کار و کوشش، اساس مالکیت است و استثمار و بهره کشی از انسانها گناه نابخشودنی تلقی می‌شود، عدل در نظام اسلامی باید در تمام شئون زندگی مراعات شود، عدالت پایه و اساس حیات جمعی در جامعه را تشکیل می‌دهد.<sup>۷۴</sup>

عدالت اجتماعی در بعد اقتصادی قائم به دو عنصر است: کفاف عمومی و تعدیل ثروت.

**الف- کفاف عمومی؛** مراد این است که وضعیت اقتصادی جامعه به نحوی باشد که تمام افراد جامعه -دست کم- از کمترین امکانات زندگی در تمام زمینه‌ها -چون بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، مسکن، پوشاک، خوراک و...- برخوردار باشند.<sup>۷۵</sup>

آیه ۷ سوره حشر «ما افاء الله علی رسوله من اهل القرى فله و للرسول ولذی القربی و الیتیمی و المساکین و ابن السبیل»؛ (آنچه خدا از دارایی ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید، از آن خدا، پیامبر او و متعلق به خویشاوندان نزدیک وی، یتیمان، بینوایان و در راه ماندگان است.) به این موضوع مهم پرداخته است.

آیات (۴۱سوره انفال، ۶۰سوره توبه، ۲۷۳ سوره بقره، ۱۹سوره ذاریات) نیز این موضوع را

متذکر شده‌اند.



۲۰۲

فیر

سال پنجم / شماره بیستم / زمستان ۹۰

**ب- تعدیل ثروت:** مراد این است که تفاوت فاحش بین فقیر و غنی، دارا و ندار نباشد و انباشت ثروت و گردش آن به گروه و طبقه خاصی اختصاص نداشته باشد.<sup>۷۶</sup>

سوره توبه آیه ۳۴ می‌فرماید: «والذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم»؛ و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند ایشان را از عذابی دردناک خبر ده.

این آیه شاهد بر این مطلب است که اسلام انباشت ثروت بین طبقات خاص را نمی‌پذیرد، نهی از انباشت و امر به انفاق را طریقی برای رسیدن به ثروت در جامعه معرفی می‌کند.<sup>۷۷</sup>

آیات ۷ سوره حشر، ۲۷۴ سوره بقره و ۹۲ سوره آل عمران نیز به این موضوع اشاره دارند.

### کنز و سرمایه داری

کنز بر وزن گنج از لحاظ لفظی ومعنی، همان اندوخته و جمع کردن مال را می‌گویند، خواه زیر زمین پنهان کرده شود و خواه در صندوق و بانک نگه داری شود و خواه به گونه‌ای دیگر باشد.<sup>۷۸</sup>

شکی نیست که قوام اجتماعی که بشر بر حسب طبع اولی خود تشکیل داده است، بر مبادله مال و عمل پایدار است و قطعا اگر چنین مبادله‌ای در کار نمی‌بود، مجتمع انسانی حتی یک چشم بر هم زدن قوام نمی‌داشت. راه بهره‌مندی انسان در اجتماعش غیر از این نبوده که اموری از مواد اولیه زمین گرفته و به قدر توانش روی آن عمل نموده و از نتیجه عملش مایحتاج خود را ذخیره کرده، مازاد بر نیاز خود از آن حاصل را به دیگران می‌داده است و در عوض سایر مایحتاج خود را از آنچه در دست دیگران بوده، می‌گرفته است. با گذشت زمان انسانها به ناچار برای حفظ نسبتها، معیاری به نام «قیمت» به وجود آوردند و چون باید خود آن معیار ارزش ثابتی داشته باشد لاجرم بعضی از اجناس نایاب را اصل در قیمت قرار دادند و به تدریج طلا در مقام اول، نقره مقام دوم و سایر فلزات قیمتی مقام‌های بعدی قرار گرفتند و چیزی نگذشت که سکه‌های طلا و نقره مقیاس اصلی قیمت‌ها شدند.<sup>۷۹</sup>

آیه ۳۴ سوره توبه «والذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم»؛ و کسانی که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، ای رسول آنها را برای این کار به عذاب دردناک بشارت بده.



۲۰۳

فیر

اقتصاد در قرآن

باید دانست که اندوختن پول و جلوگیری از انتشار آن در میان مردم مفاسد و مصائب زیادی را به بار می آورد.

### انگیزه زرا اندوزی

وقتی انسان دریافت که با مال اندوزی، قدرت خرید و مبادله و استفاده از امکانات زندگی فزونی می یابد، طبعاً برای بهره‌مندی بیشتر به جمع آوری مال روی آورد و به مرور زمان با گسترش تجارت و توسعه زندگی، انباشتن ثروت اهمیت مضاعف یافت. و انسانها برای گرد آوری مال و انباشت آن راه اسراف و اتراف را درپیش گرفتند.<sup>۸۰</sup> میل به انباشتن پول و طلا بیشتر شبیه جنون است تا عملی عاقلانه و گاهی جمع آوری مال و شمارش آن، بهترین لذت و مایه آرمش ظاهری و تصور جاودانگی انسان می شود. خداوند در قران کریم آیات ۳-۱ سوره همزه می فرماید: «ویل لكل همزه لمزه\*الذی جمع مالا و عدده\*یحسب ان ماله اخلده»؛ و ای بر هر عیب جوی هرزه زبان، همان کسی که مالی جمع کرده و دائم به حساب و شماره اش سرگرم است و می پندارد که مال و دارائی دنیا او را جاودانه خواهد کرد!

### ۲- قدرت اقتصادی حکومت اسلامی

دومین هدف نظام اقتصادی اسلام که می توان آن را عنصری بیرونی دانست، قدرت اقتصادی حکومت اسلامی در برابر سایر حکومت ها است. این امر به دو منظور است: ترساندن کفار و دشمنان خارجی، تا به ذهن آنها نقشه تجاوز نظامی و امکان تحت فشار قرار دادن حکومت اسلامی از نظر اقتصادی- محاصره اقتصادی- خطور نکند. اشاعه اسلام در خارج از مرزهای حکومت اسلامی با بهره گیری از امکانات اقتصادی و کمک به ملتهای فقیر.<sup>۸۱</sup>

آیه ۶۰ سوره انفال به مسلمانان چنین دستور می دهد: « و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه ومن رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم» و هر چه از نیرو و اسبهای آماده در توان دارید بسیج کنید تا با این تدارکات دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید. آیات ۱۱۳ سوره هود و ۱۴۱ و ۱۴۴ سوره نساء نیز به این موضوع اشاره دارند.



۲۰۴

فیه

سال پنجم / شماره بیستم / زمستان ۹۰

- ۱- (Robbins) استیفن پی ابینز، ترجمه: پارسائیان و اعرابی، مبانی رفتار سازمانی، ص ۷۳.
- ۲- طهماسب محتشم دولتشاهی، مبانی علم اقتصاد، اقتصاد خرد-کلان، ص ۲۱.
- ۳- سید محمد جواد وزیری فرد، مسائل اقتصادی در تفسیرالمیزان، ص ۱۱۲.
- ۴- همان، صص ۳۳-۳۴.
- ۵- همان، صص ۳۴-۳۵.
- ۶- همان، ص ۳۲.
- ۷- علی رامین، کامران فانی و محمد علی سادات، دانشنامه دانش گستر، ص ۶۹۰.
- ۸- سید محمد جواد وزیری فرد، همان، صص ۱۱-۱۲.
- ۹- جعفر سبحانی تبریزی، سیمای اقتصاد اسلامی، ص ۷.
- ۱۰- (Bullock , Stally Brass) البوراستلی برس، آلن بولک، ترجمه: احمد بیرشک و دیگران، فرهنگ اندیشه نو، ص ۹۵.
- ۱۱- طهماسب محتشم دولتشاهی، پیشین، صص ۱۹-۲۰.
- ۱۲- مسعود گلزاری، کلیات علم اقتصاد، ص ۲.
- ۱۳- جعفر سبحانی تبریزی، همان، ص ۸.
- ۱۴- سید جلال الدن مدنی، مبانی و کلیات علم حقوق، ص ۲۲.
- ۱۵- سیدحمید رضا علوی، فرهنگ تفصیلی مفاهیم فلسفی و فلسفی-تربیتی، ص ۲۰۶.
- ۱۶- مهدی هادوی تهرانی، ساختار کلی نظام اقتصادی در قرآن، صص ۷۵-۱۰۱.
- ۱۷- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۸۹.
- ۱۸- سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه: محمد تقی مصباح یزدی، تفسیرالمیزان، ص ۶۸.
- ۱۹- سید محمد جواد وزیری فرد، پیشین؛ ص ۳۷.
- ۲۰- همان، صص ۳۷-۳۸.
- ۲۱- سید جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ص ۱۶۶۵.
- ۲۲- مهدی هادوی تهرانی، همان، ص ۹۱.
- ۲۳- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، همان، ص ۶۷.
- ۲۴- مهدی هادوی تهرانی، همان، ص ۹۳.
- ۲۵- علی آقابخشی، مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۳۶۸.
- ۲۶- جعفر سبحانی تبریزی، منشور عقاید امامیه، ص ۳۳.



- ۲۷- مهدی هادوی تهرانی، همان، ص ۹۶
- ۲۸- همان، ص ۹۸.
- ۲۹- علی تقی پورظهير، اصول و مبانی آموزش و پرورش، ص ۶۴.
- ۳۰- حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ص ۴۴۴.
- ۳۱- جعفر سبحانی تیریزی، سیمای اقتصاد اسلامی، ص ۲۵.
- ۳۲- مهدی هادوی تهرانی، همان، ص ۱۱۵.
- ۳۳- همان، ص ۱۱۶.
- ۳۴- همان.
- ۳۵- همان، ص ۱۱۷.
- ۳۶- همان، ص ۱۲۱.
- ۳۷- سید محمدجواد وزیری فرد، پیشین، ص ۱۶۳.
- ۳۸- محسن قرائتی، تفسیر نور، ص ۳۳۹.
- ۳۹- کاظم شانه چی، آیات الاحکام، ص ۶۲.
- ۴۰- علی رامین و دیگران، پیشین، ص ۲۰۸.
- ۴۱- گلناز حامدی، فرهنگ اصطلاحات ادیان جهان، ص ۲۷۴.
- ۴۲- سیدجعفر سجادی، پیشین، ص ۳۲۳.
- ۴۳- مهدی هادوی تهرانی، پیشین، ص ۱۲۴.
- ۴۴- سیدجعفر سجادی، پیشین، ص ۶۳۷.
- ۴۵- مهدی هادوی تهرانی، پیشین، ص ۱۲۵.
- ۴۶- سیدجعفر سجادی، پیشین، ص ۱۵۷۶.
- ۴۷- سیدجعفر سجادی، پیشین، ص ۱۳۹۷.
- ۴۸- مهدی هادوی تهرانی، پیشین، ص ۱۲۷.
- ۴۹- سیدجعفر سجادی، پیشین، ص ۲۱۷۷.
- ۵۰- هادوی تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۲۸)
- ۵۱- مرتضی مطهری، مسئله ربا، ص ۷۰.
- ۵۲- سیدجعفر سجادی، پیشین، صص ۱۴۷۶-۱۴۷۷.
- ۵۳- سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، تفسیر المیزان، ص ۳۳۴.
- ۵۴- مهدی هادوی تهرانی، پیشین، صص ۱۲۹-۱۲۸.
- ۵۵- سید محمد میرکمالی، رهبری و مدیریت آموزشی، صص ۲۳-۲۱.



۲۰۶

فیر

سال پنجم / شماره بیستم / زمستان ۹۰

- ۵۶- مهدی هادوی تهرانی، پیشین، ص ۱۳۰.
- ۵۷- سعید فراهانی فرد، سیاست های پولی بانکداری بدون ربا (بررسی فقهی-اقتصادی)، ص ۱۲۶.
- ۵۸- سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه: سیدمحمد باقر موسوی همدانی، همان، ص ۲۹۳.
- ۵۹- سید محمد جواد وزیری فرد، پیشین، ص ۹۷.
- ۶۰- مهدی هادوی تهرانی، پیشین، صص ۱۳۴-۱۳۵.
- ۶۱- عباس زراعت، شرح قانون مجازات اسلامی-بخش محدود، ص ۱۸۷.
- ۶۲- سید جعفر سجادی، پیشین، ص ۹۹۶.
- ۶۳- محسن قرائتی، تفسیر نور، ص ۵۸.
- ۶۴- سید محمد جواد وزیری فرد، پیشین، ص ۱۲۱.
- ۶۵- علی آقابخشی، مینو افشاری راد، پیشین، ص ۶۰.
- ۶۶- سید جعفر سجادی، پیشین، ص ۸۳۷.
- ۶۷- سید محمد جواد وزیری فرد، پیشین، صص ۷۳-۷۵.
- ۶۸- مهدی هادوی تهرانی، پیشین، ص ۱۳۴.
- ۶۹- مدیریت مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی، صص ۲۹-۳۰.
- ۷۰- همان.
- ۷۱- حسن توانایان فرد، فرهنگ تشریحی اقتصاد، ص ۹۸۴.
- ۷۲- علی قائمی امیری، چرا مذهب.
- ۷۳- علی اختر شهر، قدرت اقتصادی حکومت اسلامی، ص ۲۲۷.
- ۷۴- علی شریعتمداری، تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۵۱.
- ۷۵- مهدی هادوی تهرانی، پیشین، ص ۱۰۳.
- ۷۶- همان، ص ۱۰۳.
- ۷۷- همان، ص ۱۱۰.
- ۷۸- زین العابدین قربانی لاهیجی، تفسیر جامع آیات الاحکام، ص ۲۵۸.
- ۷۹- سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، پیشین، صص ۳۴۸-۳۴۹.
- ۸۰- سید محمد جواد وزیری فرد، پیشین، ص ۵۳.
- ۸۱- مهدی هادوی تهرانی، پیشین، ص ۱۱۲.



۲۰۷

فیر

اقتصاد در قرآن